

توفان الکترونیکی

نشریه الکترونیکی حزب کارایران

خرداد ماه ۱۳۹۴ ژوئن ۲۰۱۵

شماره ۱۰۷

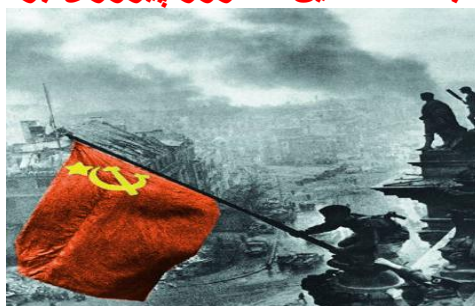
toufan@toufan.org www.toufan.org

تشدید استثمار، تفرقه افکنی، زندان و شکنجه
اساس سیاست جمهوری اسلامی در رابطه با طبقه کارگراست



گزارش تازه ای از اوضاع کنونی ایران
گزارشی از سرزمین مقاومتها (بخش دوم)

فرخنده باد هفتادمین سالروز پیروزی بر فاشیسم



تائید تسلیم خفتبار رژیم و قرارداد پروتکل الحاقی خیانت به مردم ایران است

افتخار بر استالین رهبر ارتش قهرمان سرخ شوروی !

- چهلمین سالروز پیروزی خلق قهرمان ویتنام و آموزش از آنان
- بمناسبت بیست و هشتمین سالگرد ترور جنایتکارانه رفیق حمید رضا چیتگر (بهمنی)

اعلامیه حزب در مورد دستگیری کارگران:

هراس رژیم از یگانگی و اتحاد کارگران و زحمتکشان است
گزارشات رسیده از رفقای حزبی در مورد تظاهراتهای اول ماه مه
و جشن هفتادمین سالگرد پیروزی بر فاشیسم
- در حاشیه تظاهرات معلمان "می زنم فریاد هر چه بادا باد"

گشت و گذاری در فیسبوک. پاسخ به برخی از سئوالات

تشدید استثمار ، تفرقه افکنی ، زندان و شکنجه اساس سیاست جمهوری اسلامی در رابطه با طبقه کارگر است

دشمنی کینه توزانه روحانیت حاکم ، و در کل ، نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی ، با جنبش کارگری و کمونیستی ایران چیز جدیدی نیست. این دشمنی حتی با قول دادن خمینی به جیمی کارتر در پاریس در مورد سرکوب کمونیست ها هم آغاز نشده بلکه ریشه ای تاریخی و طبقاتی دارد که از همان بدو شکل گیری طبقه کارگر ایران شروع شده است و خود را به اشکال گوناگون در خیانت به اهداف انقلاب مشروطیت و خیانت به جنبش ملی شدن صنعت نفت و دولت ملی مصدق و خیانت به اهداف انقلاب شکوهمند بهمن ۵۷ نشان داده است.

این دشمنی و سببیت حیوانی روحانیت هار و انگل و دزد و سرمایه دار که با دروغ و فریب و ترور و کشتار و سرکوب و زندان و شکنجه علیه جنبش کارگری و سندیکائی و مدافعین آن از همان بدو انقلاب به اشکال مختلف وجود داشت و دارد، آنجا که حربه خدعه و فریب تاثیرش را از دست میدهد به خشونت عریان رو می آورد.

همچنانکه حزب ما در رابطه با تحلیل و افشاء ماهیت توافقنامه نو استعماری لوزان پیش بینی میکرد ، سیاست خیانت ملی و تسلیم زبوانه حاکمیت به امپریالیسم جهانی که با شرط "حفظ نظام" ، صورت گرفت در راستای غارت و چپاول هر چه بیشتر سرمایه های ملی و تشدید استثمار و فشار به کارگران و زحمتکشان در جهت منافع باندهای مافیائی سرمایه دار داخلی و انحصارات امپریالیستی است.

هنوز مرکب این توافقنامه خشک نشده بود که حکم اولیه دادگاه ۳۰ کارگر معدن چادرملو که در پی اعتراضات سال گذشته در این معدن با شکایت کارفرما و با اتهام اخلاص در نظم ، به دادگاه رفته بودند ، صادر شد و بر اساس آن ۵ نفر از کارگران به یکسال حبس تعزیری و شلاق محکوم شدند. یورش به تشکل های مستقل کارگری با دستگیری رهبران و فعالین سندیکائی چند روز قبل از اول ماه مه (روز جهانی کارگر) آغاز شد. آقایان ابراهیم مددی و داود رضوی اعضای هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و محمود صالحی و عثمان اسماعیلی و پدram نصرالهی از فعالین سندیکائی در کردستان و جعفر عظیم زاده دبیر هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران بدلیل هراس حاکمیت از تظاهرات مستقل کارگری در روز جهانی کارگر بازداشت و روانه زندان شدند.

در تظاهرات فرمایشی روز جهانی کارگر که توسط تشکیلات زرد خانه کارگر و مسئولین خائن و خودفروخته آن سازمانیابی شده بود و عده ای فریب خورده و خودفروخته را به دنبال کشیده بودند با طرح شعار فاشیستی و تفرقه افکنانه کارگر افغانی اخراج باید گردد ، ماهیت پلید و ضد کارگری خود را به نمایش گذاردند. این جریان ضدکارگری و خرابکار که از طرفداران باند مافیائی رفسنجانی و حسن فریدون روحانی میباشد و در جریان انتصابات ریاست جمهوری و بعد از آن در جهت تائید او و سیاستهای تسلیم طلبانه و مافوق راست و نئولیبرالیستی باند او چنین تبلیغ میکردند که این سیاستها باعث رونق اقتصادی و ایجاد اشتغال و کاهش تورم و رفع معضلات طبقه کارگر می شود و حالا که در عرصه عمل دروغ بودن آن وعده ها ثابت شده است، باشکستن همه کاسه کوزه های نتایج خانانهای سیاستهای نئولیبرالیستی حاکمیت به سر کارگران و زحمتکشان افغان، قصد دارند خاک به چشم کارگران پاشیده و به آنها آدرس اشتباه بدهند و همدردان و همزنجیران کارگران را که مثل خود آنها و، حتی بیشتر، قربانیان این سیاستهای اقتصادی هستند را عامل مشکلات کارگران معرفی کنند. مسئولین خائن خانه کارگر که ظاهرا باید از برابری حقوق کارگران ایرانی با کارگران خارجی و حقوق صنفی و اجتماعی آنها دفاع کنند به یکباره نقاب از چهره دریده و کراحت و پلیدی ماهیت راست افراطی و فاشیستی خود را به نمایش می گذارند.

یکی دیگر از حربه های تفرقه افکنانه رژیم ، استفاده از فقر و احتیاج و استیصال کارگران بازنشسته ، در جهت اعتصاب شکنی و ایجاد شکاف و دشمنی بین کارگر شاغل و بازنشسته است. قبلا رژیم برای مقابله با برخی اعتصابات به طور نمونه از نیروهای بسیجی و سپاهی استفاده کرده بود؛ ولی اینبار در رابطه با اعتصاب کارگران کارخانه لوله سازی خوزستان که به دلیل عدم پرداخت حقوق ده ماهه خود صورت گرفته است با بکار گیری کارگران بازنشسته قصد دارد بدون پرداخت مطالبات کارگران ، فعالیت تولیدی را از سر بگیرد .

در طی چند ماه گذشته در بیش از ۱۸۰ شهر، معلمان در اعتراض به کمی حقوق و تبعیض وضعیت حقوقی خود با سایر کارمندان دولت تظاهرات داشتند که با حمایت سندیکاهای مستقل کارگری و نیروهای مترقی و عامه مردم مواجه بود. جدای از اینکه تا چه حد موفق به کسب خواسته های صنفی شوند. نشانه های پیدایش ارتباط های گسترده تر و سراسری بین تشکلهای مستقل کارگران و معلمان و سایر زحمتکشان بسیار امید بخش است. کلیه فعالین آگاه و مترقی و انقلابی با تمام توان و با استفاده از همه امکانات باید در جهت هر چه مستحکم کردن تشکل های موجود و پیوند آنها در جهت ایجاد تشکلهای سراسری و حمایت از مبارزات یکدیگر بکوشند. برای مقابله با سیاستهای سرکوبگرانه و ضد انسانی حاکمیت راهی جز اتحاد و همبستگی و مبارزه ای سازمان یافته نیست.

گزارش تازه ای از اوضاع کنونی ایران گزارشی از سرزمین مقاومتها (بخش دوم)



سرمایه داران بزرگ صنعتی و سرمایه داران کلان تجاری، قشر کوچکی از جامعه ایران را تشکیل می دهند، اما بالاترین سودها را از طریق رانت خواری و داشتن روابط خوب با سردمداران و روحانیون با نفوذ بدست می آورند. چپاول تمام منابع زیر زمینی را در دستور کارشان دارند. نظام سرمایه داری حاکم بر ایران را آنها کنترل می کنند. با پشتیبانی و شرکت خود سپاه پاسداران، در تمام پروژه های مهم و سود آور حضور دارند. سرمایه گذاریهای کلان چه در داخل و چه در خارج از مرزها در کنترل آنان قرار دارد. بطور نمونه "قرارگاه خاتم الانبیاء" در همه جا دست دارد و سود آور ترین قراردادهای اقتصادی را بدست می آورد.

هزاران بانک و موسسه مالی و قرض الحسنه (تعدادشان به بیش از ۶۰۰۰ می رسد) با "مجوز" و بدون مجوز که اکثراً ساخته و پرداخته دست سپاه پاسداران هستند کلان ترین نقد ینگی را در دست دارند. هیچگونه حرکت اقتصادی سود آور نمی توان یافت که سپاه، بنیاد مستضعفان، بنیاد شهید و آستان های قدس مانند آستان قدس رضوی که همگی زیر نظر مستقیم "رهبر" عمل می کنند، دست نداشته باشند. سیستمی بسته که ورود به آن کار هر کس نیست.

طبقه متوسط، که خود از اقشار مختلفی تشکیل شده است، مانند بازاریان و کسبه کوچک، از دست سرمایه داران کلان و وارد کنندگان بزرگ می نالند و می گویند که سود اصلی را وارد کنندگان اصلی به خاطر داشتن رابطه های آنچنانی با بالائی ها بدست می آورند و فقط ته مانده ای به آنان می رسد. این طبقه سعی دارد تا در این میان از سود بیشتری برخوردار شود. ارزهای معتبر مانند دلار و یورو های میلیونی بصورت کلان اما به قیمت دولتی و ارزان در خدمت سرمایه داران بزرگ قرار می گیرد، این سرمایه داران بزرگ اجناس وارداتی خود را بدون دادن عوارض گمرکی، بصورت قاچاق از مرزها وارد می کنند. مناطق آزادی را مانند منطقه آزاد کیش، قشم، ماکو، چابهار، ارس، انزلی و اروند، شامل شهرهای (آبادان، خرمشهر و اهواز) را بوجود آورده اند و سرمایه داران بزرگ را برای سرمایه گذاری در این مناطق تشویق می کنند، این "سرمایه گذاریهای گور" اما نتیجه ای جز شکاف بیشتر بین طبقات مرفه و فقیر را در بر ندارد. در شهرهای آبادان، خرمشهر و بتازگی که شهر اهواز را به آنها اضافه کرده اند، هم اکنون شاهد جولان اتومبیل های لوکس میلیاردی به خصوص مارک های آمریکائی هستیم، که با پلاک های "اروند" در خیابانهای این شهرها از طرف صاحبانشان (آقازاده ها) که معلوم نیست از چه راهی به این پولهای کلان دست یافته اند، به نمایش گذاشته و خودنمایی ها را به رخ اقشار پائین جامعه می کشانند.

همه نوع جنس لوکس، مواد غذایی، خشکبار، پوشاک، نوشابه های الکلی، سیگار و..... با کشتی های عظیم صاحبان سرمایه، وارد بندرهای آزاد شده و بطور قاچاق وارد بازار های متفاوت کشور می شوند.

نتیجه چنین سیاستی، از هم پاشیدن اقتصاد داخلی، هرج و مرج و نارضایتی بازاریان و کسبه کوچک است که نتیجتاً ورشکستگی و در پی آن بیکاری و اخراج کارگران و تولید کنندگان داخلی را در بر دارد. در عوض "کاسبان تحریم ها" از این وضعیت بسیار خوشحال و خوشنود هستند، اینها همان سرمایه داران بزرگی هستند که از وضعیت ایران در موقعیت تحریم، بالاترین سود را بدست می آورند. به همین جهت نیز با لغو تحریم ها به بهانه های مختلف شدیداً مخالفت می کنند. زیرا فکر می کنند، شاید با لغو تحریمها مجرای رانت خواری بسته شود و بازارشان کساد شود.

گفتگو با چند ده نفر از بازاریان، مغازه داران و کسبه کوچک و اظهارات آنها در مورد وضعیت معیشتی شان، نشان از تضادشان با سرمایه داران بزرگ، سپاه پاسداران، روحانیون و دستگاه حاکم دارد. آنها وضع بد اقتصادی را، در ابتدا از اثرات تحریمهای تحمیلی می دانند و قدرتهای بزرگ را مسبب بوجود آوردن چنین تنگناهایی. همچنین رژیم حاکم را مقصر می دانند که با سیاستهای غلط، بدون داشتن پشتوانه مردمی آنقدر بر طبل هسته ای کوبید، تا کمر اقتصاد خمانده شد.

کارمندان جزء، معلمان، و بطور کلی زحمتکشان ایران که در تحتانی ترین هرم قدرت قرار دارند برای امرار معاش دو تا سه کار جانبی دارند. بیشتر زنان شاغل روز مزد و پیمانی هستند. بسیاری از معلمان زن، با حقوقی بسیار ناچیز به صورت روز مزدی و پیمانی در دو تا مدرسه کار می کنند.

شایع است، زیان هسته ای که به مردم تحمیل شده تاکنون ۲۰۰ میلیارد دلار برآورد شده است. بر اثر همین ویرانگری ها، نارضایتی های مردمی اوج گرفته و ترس از انقلابی دیگر را در دل حکمرانان نهاده است. آنها را به چاره اندیشی انداخته، راه مماشات با قدرتهای جهانی را در پیش گرفته اند، تا شاید از خیزش مردم جلوگیری کنند.

کارگران ایران، اعم از کارگران صنعتی، کارگران ساده، کارگران ساختمانی، کارگران پیمانی و روز مزد با چالشی عظیم روبرو هستند. ترس از ادامه رکود بازار، گرانی و افزایش روزافزون مخارج زندگی، معضل بزرگی را برای کارگران که با خانواده های خود نیمی از جمعیت ایران را تشکیل می دهند بوجود آورده است که دائماً در حال پنجه نرم کردن با آن هستند. و هیچکس به داد آنان نمی رسد.

حتی آنها که کاری دارند با حقوق های عقب مانده روبرو هستند. بدون اغراق می توان گفت کمتر کارگری یافت می شود که با عقب ماندگی دستمزد ۶ ماه تا ۱ سال و حتی بیشتر روبرو نشده باشد.

اعتصاب اخیر کارگران پارس جنوبی در عسلویه یکی از آنها ست و از این نمونه ها بسیارند.

بعضی پروژه ها را به گروه های پیمانکاری می دهند که بطریقی با مدیران دولتی رابطه ای دارند.

آنها بعنوان "آدم فروش" عده ای را به صورت پیمانی و یا روز مزد، بدون داشتن هیچگونه امنیت شغلی، بیمه درمانی و بازنشستگی استخدام می کنند و هر زمان که به آنها احتیاج نبود بدون دریافت هیچگونه حق بیکاری و مزایایی اخراج می کنند.

کارگران پیمانی و روزمزدی که در استخدام پیمانکاران شهرداری هستند و در قسمتهای خدماتی مانند نظافت خیابانها و یا مسئول نظافت و نگهداری پارکها می باشند را می توان مثال زد. از یکی از رفتگران که در روز جمعه مشغول جارو کردن خیابان بود سؤال کردم مگر امروز جمعه نیست و تعطیل نیست؟ سری تکان داد و گفت: کار ما تعطیلی ندارد. هر روز باید کار کرد. اگر یک روز غیبت داشته باشم دو روز از حقوق کم می شود. بعد ادامه داد: اکنون سه ماه است که بچه هایم رنگ گوشت را ندیده اند.

با دو تن از مسئولان پارکی که در نگهداری آن مشغول به کار هستند وارد صحبت شدم. زیرا آنها در اطاقکی چمباتمه زده بودند و برای حیرت انگیز بود که چگونه شب را به صبح می رسانند. به آنها گفتم اینجا که می خوابید از قبر هم کوچکتر است. در سرما با یک گرمکن نفتی فتیله ای آن اطاقک را گرم می کردند. آنها هم به صورت پیمانی کار می کردند. بیان کردند که سه ماه است حقوق نگرفته اند. آنها در ماه یکبار برای دو روز به محل زندگی خود، یکی، روستائی نزدیک کاشان و دیگری شهری در همان اطراف می رفتند.

کارگران ساختمانی نیز وضعی بهتر از دیگر کارگران ندارند. بسیاری از آنها پس از اینکه ساختمانی رو به اتمام گذاشت برای هفته ها و ماهها بیکار می شوند و باید دنبال کارفرما بیفتند تا حقوق عقب مانده خود را دریافت کنند.

بسیاری کارگران ساختمانی نیز از کشور همسایه ایران، افغانستان برای بردگی آمده اند، آنان از زندگی به دور از خانه و خانواده خود در بدترین شرایط می نالند. کارگران افغانی برای اینکه بتوانند در ایران بصورت قانونی کار کنند می بایست در کابل نزد سفارت ایران هر نفر حدوداً ۲۵۰۰ دلار ودیعه بپردازند تا ۶ ماه اقامت ایران را دریافت کنند. در ایران نیز اگر کار پیدا کردند می بایست روزانه ۷۰۰۰ تومان از حقوق خود را به اداره امور خارجیه بپردازند. حمید و داوود دو کارگر افغانی بودند که با دلی پر از درد و با صدائی پر از خشم این جملات را بیان می کردند و گفتند که فردا عازم افغانستان هستند زیرا مدت اقامت آنان به پایان رسیده و ابتدا باید به اداره امور خارجیه مراجعه کنند تا پاسپورت خود را که تا زمان خروج از ایران نزد اداره خارجیه به امانت گذاشته اند را تحویل گیرند. آنان می گفتند که تا یکسال دیگر اجازه ورود به ایران را ندارند.

بسیاری از کارگران افغانی (پناهندگان) به صورت غیر قانونی کار می کنند که اغلب در کارهای سخت ساختمانی و بقول خودشان بالا بردن برج ها و ویلاهای چند صد میلیاردی مشغول کار هستند. همین پناهندگان که بعضی هاشان نسل دومی هستند و در ایران به دنیا آمده اند اجازه داشتن موتور، دوچرخه و موبایل را ندارند تا چه رسد به اجازه کار و دیگر تسهیلات.

اظهارات پیرمرد و پیرزنی با لباسهای روستائی نمونه جالبی است از وضعیت آنان که جا دارد بیان شود. این زن و مرد روستائی که برای مراجعه به پزشک به شهر آمده بودند و به تازگی از پزشک و داروخانه برگشته بودند بمحض سوار شدن در تاکسی نارضایتی خود را بر زبان آوردند. آن پیرزن با بیان اینکه:

این چه مذهبی است و کجایش اسلامی است که عده ای پول پارو کنند و کسی مثل ما که در روستا به کشاورزی بر سر زمینی کوچک مشغول است برای مداوا ۳۰۰۰۰۰ تومان ویزیت دکتر و ۲۰۰۰۰۰۰ تومان برای فقط یک دارو باید بپردازد. با صدای بلند گفت: "خداوند ریشه این ظالمان را برکند" آن مرد روستائی همسرش را که مریضی سختی داشت به دکتر برده بود و اکنون عازم روستای خود بودند. پس از آن اینبار نوبت به راننده تاکسی رسید. صدای راننده تاکسی برآمد و بقیه فحش ها و ناسزاها را او نثار سردمداران و آخوندها کرد. این "نفرین" و دشنام ها همه روزه بر زبان بسیاری از مردم جاری است.

با مردی اهل بلوچستان وارد گفتگو شدم از زبان این مرد که لباسهای محلی بلوچی به تن داشت شنیدم که گفت: در تهران برای خواندن نماز به مسجدی رفته بود اما وی را بعلت سنی بودن بیرون رانده و اجازه نداده بودند در مسجد شیعیان نماز بخواند. او نیز از همین دست دشنام ها نثار روحانیون کرد و آنان را مسبب تفرقه در میان اقوام مختلف دانست.

از دیگر شخصی که "خادم" یکی از اماکن مذهبی و معتبر یکی از شهرها است، سؤال کردم، این پولهایی که در این امامزاده از طرف مردم ریخته می شود صرف چه چیزی می شود و به چه کسی می رسد؟ او که با لباس اونیفورم مخصوص خادمان بر روی صندلی در کنار قبر یکی از آیت الله های شهید که در آن امامزاده دفن است نشسته بود، به یکباره از جای خود بلند شد و با یک نگاه پر از تعجب از من پرسید، فکر می کنید چه چیزی و چه کسی؟ با کمی تأمل گفتم نمی دانم.

با صراحت و بدون کمی مکث گفت: کوسه(و با علامت دست کشیدن به ریشش منظور او رفسنجانی بود) و برادر و خانواده این آیت الله سقط شده که تولید آنجا را در دست دارند. وی گفت: آنها ماه به ماه میلیاردها تومان جمع می کنند و می برند. من یکبار به خود آمدم، زیرا در ابتدا با کمی احتیاط این سوال را مطرح کرده بودم. او به من یک آب نبات داد و گفت من این آب نبات ها را حتی از پول خودم تهیه می کنم و به مردم می دهم. اما دیگران که منظورش دقیقا مسئولین نظام بودو باز قصه دزدیهای سران، و با صدائی آهسته تر "رهبر" را سر داد.

به شرح حال این امامزاده افتاد و گفت: درحال گذر از این شهر و برای پیوستن به برادر بزرگتر خود بدست مامون خلیفه عباسی کشته شده و.... که با او وداع کردم.

سوآلی که اکنون بسیاری از مردم به خصوص جوانان از یکدیگر می کنند این است که آیا با چنین اوضاعی و چنین تضادهائی(در اینجا فقط گوشه بسیار ناچیز و کوچکی از آن ترسیم شد)، ادامه حکومت برای این رژیم میسر است؟ جوابشان بطور قطع منفی است. سرانجام این نا رضایتی هاست که مبارزات مردم به خصوص کسانی که در این سالهای پس از انقلاب تحت بدترین شرایط زندگی کرده اند را شدت می دهد و نتیجه بخش خواهد کرد. این امری است اجتناب ناپذیر. اعتصابهای پی در پی کارگران کارخانه ها، برای بدست آوردن حقوق های عقب مانده خود و بهبود شرایط کار، اعتصابات معلمان در تمام شهرهای ایران، اعتصاب کارگران عسلویه، اعتصاب کارگران کارخانه های پتروشیمی، نساجی و.... نمونه هایی است که مقاومت مردم را در مقابل بی عدالتی ها نشان می دهد. فقر و بی چیزی و استثمار بی حد و حصر در شهرهای مختلف، از شمال تا جنوب، از مشرق تا مغرب طبقات زحمتکش را خشمگین کرده و به مبارزه علیه رژیم سوق داده است. علیرغم سرکوبها، زندان و شکنجه، باز هم کارگران از پای نایستاده اند. اعتراضات مردمی، اعتصابات و تحصن ها به خاطر احقاق حقوقشان در سر تا سر ایران در حال تکوین است.

فرخنده باد هفتادمین سالروز پیروزی بر فاشیسم

جمعه هشتم ماه مه، هفتادمین سالروز پیروزی بر فاشیسم است. پیروزی بر دیو فاشیسم برای تمام بشریت دارای اهمیت تاریخی بسیار بزرگی است. درهم شکسته شدن قدرتهای فاشیستی، به خلقهای دربند امکان داد تا به آزادی و استقلال نائل آیند، شرایط مناسبی برای پیروزی سوسیالیسم در عده ای از کشورها و برای اعتلاء جنبش آزادیبخش انقلابی و ملی ، برای تکان دادن و فرو ریختن سیستم مستعمراتی پدید آید.

جهان کار و ترقی، مبارزه عظیم خلقهای اتحاد جماهیر شوروی استالینی را برای درهم شکستن فاشیسم و سپس برای برقراری صلح عادلانه ، برای برقراری جامعه مشترکی از ملت ها بر اساس تساوی حقوق، عدم مداخله و همکاری که از تهدیدات امپریالیستی، اعمال فشارها و ارباب مبری باشد ، ارج گذاشته و اکنون نیز مانند گذشته ارج میگذارد. اکنون در هفتادمین سالروز پیروزی بر فاشیسم ، جهان ، در اوضاع و احوال دیگری است.

رویزیونیستهای خائن شوروی که بیش از سه دهه بر استالین و خدماتش لجن پاشیدند، به جعل و تحریف تاریخ پرداختند و به احیای سرمایه داری و تزاریسم نوین دست زدند سرانجام فروپاشیدند و چون ذغال در مقابل تاریخ و خلقهای شوروی و جهان سیاهند. فروپاشی کاخ رویزیونیسم که چیزی جز دیکتاتوری دولتی بورژوازی نبود و بر افراشته شدن تصاویر استالین در تظاهرات خیابانی که این روزها در شهرهای روسیه به چشم میخورد داغ ننگی بر پیشانی ضد انقلاب و رویزیونیستها و تجلیل و احترام به رهبر پرولتاریای شوروی و جهان ، یعنی استالین است .

اکنون در هفتادمین سالروز تاریخی پیروزی بر فاشیسم ، مطبوعات ، رسانه های امپریالیستی و زمام داران شارلاتان و دروغگویان این کشورها در نوشته ها و نطق های خود بمناسبت این واقعه تاریخی حتا کلمه ای هم در باره مردی که در زمان جنگ در راس دولت شوروی و ارتش سرخ قرار داشت و بزرگترین نبرد ها را علیه ارتش هیتلری سازمان داد و خلقهای شوروی را به نبردی افسانه ای و توده ای برانگیخت، به میان نمی آورند. جهان سرمایه و همه رویزیونیستها ، تروتسکیستها و شبه تروتسکیستها در باره رفیق استالین و نقش عظیم و تعیین کننده رهبری او در جنگ ضد فاشیستی کلمه ای بر زبان نمی آورند. تو گوئی چنین واقعه تاریخی و چنین رهبری که هدایت کننده این نبرد ضد فاشیستی بود، وجود نداشت.

اما همه می دانند که بسیج مردمی و ضد فاشیستی رهبری اتحاد شوروی در جنگ کبیر میهنی، سازمان دادن و رهبری نبرد افسانه ای ارتش سرخ که قدرت نظامی آلمان نازی را نابود کرد و بر آن پیروز شد با نام استالین عمیقاً در آمیخته است. میلیونها تن از زنان و مردان خلقهای شوروی در میدانهای نبرد برخاک افتادند درحالی که نام استالین را بر لب داشتند. تصویر و اندیشه های او منبع الهام و پرچم مقاومت ضد

فاشیستی خلقهای شوروی و جهان بود. بنابراین احمقانه است از جنگ میهنی اتحاد شوروی و پیروزی بر فاشیسم سخن گفت اما از نام و نقش استالین یاد نکرد، آنطور که رهبران امپریالیستهای غرب و دشمنان ریز و درشت استالین میکنند. استالین و انقلاب اکتبر، استالین و جنگ میهنی و مارکسیسم-لنینیسم از هم جدائی ناپذیرند.

هفتادمین سالروز پیروزی بر فاشیسم فرصتی است تا بار دیگر به علل و انگیزه حوادثی پرداخت که موجب بروز فاشیسم و تجاوز به خلقها گردید. فاشیسم فرزند سرمایه داری و امپریالیسم است و برای پیشگیری از تکرار این فاجعه تاریخی باید به بسیج توده ها و نیروهای انقلابی و ترقی خواه علیه بربریت امپریالیسم کمر همت بست. اکنون امپریالیسم آمریکا با مدرن ترین و مهلک ترین سلاحهای مخرب خود، هارترین و خطرناکترین دشمن بشریت است و باید درمقابل آن ایستاد. خطر تجاوزات جدید از جانب امپریالیسم آمریکا افزایش می یابد و سیاست تجاوزکارانه و راهزنانه آمریکا که جای رژیم فاشیستی هیتلر را گرفته است، خطرناک است باید با آن مقابله کرد.

اکنون خلقهای آمریکای جنوبی، آسیا، آفریقا و..... درمقابل این غول فاشیست ایستاده اند و هر روز ضربات خرد کننده ای بر پیکر فرتوت این جنایتکاران وارد می آورند. وظیفه همه نیروهای ضد امپریالیست و ضد فاشیست است که تجاوزات مستقیم و نیابتی امپریالیسم آمریکا به سوریه، عراق، افغانستان، لیبی، بحرین، یمن..... را محکوم نمایند و به دفاع از پیکار عادلانه خلقها علیه آمریکا و متحدین جنایتکارش بپردازند. این پیکار قوای امپریالیستها بویژه امپریالیسم آمریکا را ضعیف میکند و شرایط شکستش را فراهم میگرداند.

باشد که جشن هفتادمین سالروز پیروزی بر فاشیسم انگیزه ای گردد تا تمام خلقها و نیروهای انقلابی و ترقی خواه علیه صهیونیسم و امپریالیسم، بویژه امپریالیسم آمریکا متحد و بسیج شوند و همه مدعیان سلطه فاشیستی و تجاوزگری بر جهان را با شکست و نابودی مواجه گردانند.

مرگ بر فاشیسم، سرمایه داری و امپریالیسم!

زنده باد سوسیالیسم این پرچم نجات بشریت!

حزب کار ایران (توفان)

مه ۲۰۱۵

وقتی هیتلر سر بر آورد و آمادگی خویش را برای زیرپاگذارن قرارداد ورسای اعلام کرد و به تسلیحات گسترده دست زده ممالک امپریالیستی به حمایت از هیتلر برخاستند و مانعی برای اقدامات وی که در قرارداد ورسای ممنوع اعلام شده بود نکردند. هیتلر و ایتالیا به اسپانیا تجاوز کردند و فرانکو را بر سر کار آوردند، چکسلواکی را اشغال کردند و اتریش را به آلمان ضمیمه نمودند و همه این اقدامات با مخالفت شوروی سوسیالیستی روبرو شد که پیشنهاد دفاع جمعی را به غربی ها عرضه می داشت. ولی غربی ها هیتلر را تشویق به تجاوز به سمت شرق می کردند و تلاش داشتند فاصله مرزی میان شوروی و آلمان را با این بذل و بخششها بکاهند تا راه تجاوز برق آسای آلمان نازی به جمهوری جوان سوسیالیستی شوروی فراهم گردد. آنها می خواستند شوروی و دیکتاتوری پرولتاریا را در نطفه خفه کنند. استالین بدرستی فهمیده بود که نازیسم و اکنش بورژوازی اروپا در مقابل دیکتاتوری پرولتاریا در شوروی می باشد و لذا تلاش کرد در عین کسب زمان تنفس بیشتر ممالک امپریالیستی غرب را برای یک همکاری مشترک در مقابل توسعه طلبی نازی ها متحد کند. این سیاست استالین با شکست روبرو شد چون هدف امپریالیستهای انگلستان و فرانسه کیش دادن هیتلر با تیر امپریالیستی به سمت شوروی بود. وقتی تلاش استالین بی نتیجه ماند و آنها شاهد کمکهای تسلیحاتی آمریکائی ها به هیتلر بودند و می دیدند که چگونه ممالک غربی توسعه طلبی های هیتلر را مسکوت گذارده و یا مورد تائید قرار می دهند، تصمیم گرفتند جهت مسیر رویدادها را با یک مانور تاریخی دیپلماتیک که بزرگترین مانور دیپلماتیک تاریخ بشریت است با درایت رفیق استالین تغییر دهند. انعقاد قرارداد میان شوروی و آلمان، مسیر توسعه طلبی هیتلر را تغییر و زمان تجاوز به شوروی را به تاخیر انداخت و این پدیده جدید در محاسبات امپریالیستهای غرب منظور نشده بود. مقنی در واقع به ته چاه رسیده بود. حال این انگلیسها، فرانسویها، بلژیکی ها و هلندی ها و... بودند که باید قربانی سیاستهای دسیسه گرانه خود می گردیدند. غربی ها بعد از شکست نازیسم در استالینگراد و اطمینان از پیروزی ارتش سرخ، حاضر شدند با حيله گری و خرابکاری در مبارزه مشترک، بر ضد تهاجم بربریت فاشیسم که در دامان خودشان پرورانده شده بود، در جنگ علیه نازیسم و با انگیزه جلوگیری از پیروزی کمونیستها شرکت کنند. **برگرفته از توفان ارگان مرکزی حزب کار ایران**

شماره ۱۸۳ خرداد ۱۳۹۴

نیش عقرب نه از ره کین است اقتضای طبیعتش این است

تائید تسلیم خفتبار رژیم و قرارداد پروتکل الحاقی خیانت به مردم ایران است

هرگز نباید تسلیم دیکته امپریالیستها شد زیرا این سیاست زورگوئی و تسلط طلبی از ماهیت آنها برخاسته و این استعمارگران دروغگو و ریاکار هرگز به کسی و به هیچ چیز رحم نمی کنند. تاریخ آنها، سراسر تاریخ چرک و خون است و ما نتایج سیاستهای ضد بشری آنها را همین امروز در مقابل دیدگان خود داریم. فرقی میان ریگان و اوباما، نیکسون و کندی وجود ندارد. امپریالیسم یعنی جنگ افروزی و جنگ طلبی.

آیا مشکل امپریالیسم و صهیونیسم مبارزه با تروریسم است که لغو تحریمها را منوط به مبارزه با آن کرده اند؟

امپریالیستها نه از نقض حقوق بشر در ایران نگرانی دارند و نه در عربستان سعودی و یا فلسطین، آنها نه از تروریسم متنفرند و نه از شکنجه و آدمکشی و تجاوز. پس اینکه بیکباره نگران نقض حقوق بشر در ایران شده اند و خواهان مبارزه با تروریسم هستند و غیره به اجرای سیاست از قبل تعیین شده خود آنها مربوط می شود. این فریبکاری آنها ولی فقیه را به خشم آورده و حزب رویونیستی توده ایران را مسرور گردانده است.

ما می پرسیم که:

آیا حمایت از اسرائیل و نسل کشی آنها در فلسطین تروریسم نیست؟

آیا پرتاب بمبهای فسفوری در نوار غزه و فلوجه تروریسم نیست؟

آیا تجاوز به لبنان و سوریه بر خلاف همه موازین بین المللی تروریسم نیست؟

آیا تجاوز به عراق و افغانستان و پرتاب بمبهای خوشه ای و گلوله های اورانیوم رقیق شده تروریسم نیست؟

آیا استفاده از هواپیماهای بی سرنشین برای کشتار مردم غیر نظامی در افغانستان، پاکستان، یمن، عراق، نوار غزه و... تروریسم نیست؟

آیا حمایت از داعش و تامین کلیه احتیاجات نظامی، مالی، تدارکاتی، خوراکی، پوشاکی، اطلاعاتی در شبکه های مجازی و سازمانهای امنیتی و... تروریسم نیست؟

آیا تجاوز عربستان سعودی به بحرین تروریسم نیست؟

آیا تجاوز عربستان سعودی به یمن همراه با آمریکا و امارات متحده عربی تروریسم نیستند؟

آیا ترور دانشمندان هسته ای ایران مسعود علی محمدی، استاد فیزیک دانشگاه تهران، مجید شهریاری، استاد فیزیک دانشگاه شهید بهشتی، داریوش رضایی نژاد، متخصص وزارت دفاع و سوء قصد نافرجام به فریدون عباسی دوانی، استاد فیزیک دانشگاه شهید بهشتی، تروریسم نیستند؟

آیا حمله سایبری به تاسیسات اتمی ایران توسط ویروس استاکس نت تروریسم نیست؟

آیا مجبور کردن غیر قانونی هواپیمای ریاست جمهوری بولیوی به فرود اجباری در اتریش به زور هواپیماهای جنگنده آمریکا تروریسم نیست؟

در تاریخ ۲۰ ژوئن ۲۰۱۲ میلادی، روزنامه واشنگتن پست در یک مقاله تحقیقی نوشت که "بدافزار شعله" که ساختار بسیار پیچیده ای داشت با هدف «جاسوسی از شبکه های رایانه ای و کسب اطلاعات لازم برای ایجاد اخلاص در پیشرفت برنامه هسته ای ایران» توسط سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا، آژانس امنیت ملی ایالات متحده و ارتش اسرائیل تولید و علیه ایران مورد استفاده قرار گرفته است.

طبیعی است که این اقدامات تروریستی است و بدست آمریکا و اسرائیل صورت می گیرند. پس نگرانی این دول تروریستی از "تروریسم جمهوری اسلامی" در چیست؟

بنا براین وظیفه یک حزب کمونیستی افشاء دروغهای امپریالیستها و سازمانهای سیاسی خودفروخته ایرانی در مورد بمب اتمی موهومی ایران و تحمیل مصوبات و نظریات کنگره آمریکا به ممالک سراسر جهان به عنوان تحریمهای "جامعه جهانی" است. وظیفه کمونیستها افشاء تحریمهای غیر قانونی اتحادیه اروپاست که برای خودش نقش سازمان ملل متحد جدیدی را بنا کرده است. مذاکرات

لوزان را باید در این متن مورد ارزیابی قرار داد. حزبی که به چشم مردم خاک بپاشد تا واقعیات را نبینند و تلاش کند اعضاء خود را فریب دهد حداقلش آنست که یک حزب رویزیونیستی و ضد انقلابی است.

افتخار بر استالین رهبر ارتش قهرمان سرخ شوروی ! سالروز پیروزی بر فاشیسم بر همه مردم صلحدوست جهان مبارک باد!



جنگ جهانی دوم (همینطور جنگ اول جهانی) مولود نظام سرمایه داری امپریالیستی بود. کاهش عظیم تولیدات صنعتی، در آمریکا در سالهای ۱۹۲۹-۱۹۳۳ همچنین کاهش تولیدات صنعتی در اروپا و بحران بیکاری (بیش از ۳۵ میلیون بیکار در آمریکا، فرانسه و انگلستان، آلمان، هلند، بلژیک ایتالیا، ژاپن.....) علت بروز جنگ بود. جنگ برای حل بحران و تقسیم مجدد جهان بود.

جنگ جهانی دوم (۱۹۳۸-۱۹۴۵) ۵۵ میلیون کشته، و بیش از صد میلیون مجروح برجای گذاشت. هزینه جنگ "فقط" چهار تریلیون دلار بود.

درنبرد علیه دیو فاشیست آلمان هیتلری ۲۷ میلیون نفر از خلق قهرمان شوروی جان باختند. برای سرمایه داری جان این ۲۷ میلیون نفر که تحت رهبری ارتش سرخ درنبرد با هیولای فاشیسم جان باختند بی ارزش است. دردرس مدارس این کشورها به جعل و تحریف حقایق تاریخی می پردازند و سخنی از نبرد حماسی استالینگراد و شهادت نمی رود، اما تا دلتان بخواهد به رهبر این نبرد حماسی که صلح را برای جهانیان به ارمغان آورد لجن می پاشند و درعوض جنگ افروزان امپریالیست غرب را بعنوان منادیان "صلح و آزادی و دموکراسی" به خورد دانش آموزان میدهند و به شستشوی مغزی جوانان و عموم مردم می پردازند.....

برتولت برشت بدستی بیان داشت که "همه مردم صلحدوست جهان مدیون استالین هستند". وی به مناسبت درگذشت استالین نوشت: "ستمکشان پنج قاره زمین، آنهاست که خود را رها نیده اند، و تمام کسانی که برای صلح جهانی بیکار می کنند باید قلبشان از تپیدن ایستاده باشد لحظه ای که خبر درگذشت استالین را شنیدند. وی مظهر مجسم آرزوهایشان بود"

"برگرفته از فیسبوک توفان به مناسبت هفادمین سالگرد پیروزی بر فاشیسم"

افتخار بر رفیق استالین رهبر کبیر و خردمند اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و ارتش قهرمان سرخ !

چهلین سالگرد پیروزی خلق قهرمان ویتنام و آموزش از آن



چهل سال از پیروزی خلق ویتنام بر امپریالیسم آمریکا میگذرد. آمریکا در جنگ تجاوز کارانه و طولانی خود علیه خلق قهرمان ویتنام دچار شکست مفتضحانه ای گردید و مجبور شد ارتش خود و اقامار خود را از این کشور فراخواند و معاهده پاریس را بپذیرد. این جنگ قهرمانانه خلق ویتنام بود که قدرت عظیم نظامی، اقتصادی و مالی آمریکا را درهم شکست و آنها را از کشور بیرون ریخت. خلق ویتنام قریب به یک قرن و با تحمل دشواریها و مصائب فراوان و دادن میلیونها قربانی اسلحه بدست بخاطر استقلال و آزادی خود جنگید و غول عظیم آمریکا را آنچنان درهم کوبید که هنوز از زیر ضربات تاریخی آن قد راست نکرده و این پیروزی عظیم، الهام بخش همه خلقهای جهان گشته است.

امپریالیسم غرب به سرکردگی امپریالیسم آمریکا امروز میخواهد سلطه ترس و ناامیدی و انفعال و «شکست ناپذیری اش» را بر مردم جهان حاکم گرداند. تن دادن به این تهاجم ایدئولوژیکی به معنی تسلیم در مقابل آدمخواران جهانی است.

امپریالیسم در شرایط کنونی نیروی قوی و برتر است اما در بعد استراتژیک و بعد تاریخی یک ببر کاغذی است و چون مقوا فرومی پاشد. شکست امپریالیسم ژاپن در چین، شکست امپریالیسم فرانسه در الجزایر، شکست امپریالیسم آمریکا در ویتنام، شکست امپریالیسم آلمان و متحدینش در جنگ جهانی دوم توسط ارتش سرخ..... همه گواه و حکایت بر شکست پذیری این نیروی میرنده و ارتجاعی دارد. مبارزه متشکل توده های میلیونی تحت ستاد رهبری اش، امپریالیسم را با همه قدر قدرتی اش به شکست می کشاند.

مهمترین عوامل این پیروزی بزرگ تاریخی را باید در رهبری خردمندانه حزب کمونیست ویتنام به رهبری هوشی مین، وحدت درونی حزب و وحدت فرماندهی نظامی، پیوند تنگاتنگ این حزب با مردم و وحدت ملی و کسب همبستگی بین المللی دانست. اینهاست مختصری از راز پیروزی قهرمانانه خلق قهرمان ویتنام بر امپریالیسم درنده خوی آمریکا.

زنده باد خلق قهرمان ویتنام!

توفان

سخن هفته



مرگ بر امپریالیسم آمریکا این بزرگترین تروریسم دولتی جهان!

بمناسبت بیست و هشتمین سالگرد ترور جنایتکارانه رفیق حمید رضا چیتگر (بهمنی)



در ۱۹ ماه مه ۱۹۸۷، رفیق حمید رضا چیتگر (بهمنی) عضو دفتر سیاسی و کمیته مرکزی حزب کار ایران (توفان) توسط رژیم تروریست سرمایه داری جمهوری اسلامی در وین (اتریش) به قتل رسید. رژیم سر تا پا جنایت جمهوری اسلامی با یک نقشه کثیف چند ساله رفیق حمید بهمنی را در وین بدام انداخت و با شلیک یک گلوله به پشت سراو بزندگی این کمونیست انقلابی پایان داد. اما رژیم تروریست و آدمکش جمهوری اسلامی نتوانست به هدف شوم خود که نابودی حزب رفیق چیتگر بود دست یابد. حزب کارایران (توفان) به آرمانهای رفیق بهمنی متعهد بوده و راه رفیق را با استواری تمام ادامه میدهد.

رفیق حمید رضا چیتگر(بهمنی) یک کمونیست مارکسیست لنینیست جسور و بی باک و ازخود گذشته، سازمانده حرفه ای و یک نظریه پردازبود. رفیق حمید در روز ۸ ماه مه همان سال در استکهلم پیرامون دیکتاتوری پرولتاریا و استالین سخنرانی مبسوطی کرد که نوارهای آن در بخش صوتی لینک زیر موجود اند و به همه عاشقان راه آزادی و سوسیالیسم توصیه می شود که به این نوار ها گوش دهند .

ما یاران رفیق بهمنی یقین داریم که روزی مردم ایران دودمان رژیم سیاه استبداد اسلامی را از سرزمین مان پاک خواهند کرد و بر ویرانه های مانده از این حکومت تبهکار و ضد بشری کشوری آباد و آزاد خواهند ساخت.

یاد رفیق حمید رضا چیتگر (بهمنی) گرامی و راهش پررهرو باد!
 ننگ و نفرت بر رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!
 زنده باد آزادی و سوسیالیسم!

.....
 لینک سخنرانی رفیق حمید رضا چیتگر(بهمنی) در مورد استالین و دیکتاتوری پرولتاریا:

<http://toufan.org/souti%20file.htm>

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی بدست مردم ایران!

اعلامیه حزب کارایران (توفان) پیرامون بازداشت‌های اخیر

هراس رژیم ازیگانگی و اتحاد کارگران و زحمتکشان است



وحشی گریهای نیروهای امنیتی رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی در آستانه برگزاری روز جهانی کارگر و احضار و دستگیری شماری از فعالین کارگری ناشی از هراس این نظام ضد کارگری از اتحاد و یکپارگی کارگران است. بازداشت ابراهیم مددی و داوود رضوی از اعضای سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران، بازداشت محمود صالحی توسط نیروهای امنیتی در منزل خویش در سقز، بازداشت عثمان اسماعیلی سخنگوی کمیته دفاع از کارگران زندانی در مهاباد و همینطور بازداشت رضا امجدی، فعال کارگری در سنندج..... اینها همه ناشی از ترس رژیم از نیروی متحد کارگران است که در آستانه برگزاری روز کارگر با انتشار بیانیه های متعدد مطالبات عدالتجویانه و انسانی خود را طرح و برپیوند و اتحاد سراسری کارگران و همه حقوق بگیران زحمتکش؛ معلم و پرستار و کارمند، بازنشستگان و بیکاران.. علیه رژیم مستبد نئولیبرال سرمایه تاکید ورزیدند.

حزب کارایران (توفان) بازداشت کارگران و ضرب و شتم آنها را که برای مطالبات پایه ای و عادلانه خود مبارزه میکنند، شدیداً محکوم مینماید. ما یکبار دیگر نفرت و انزجار خود را نسبت به رژیم سرمایه داری و ضد مردمی جمهوری اسلامی ابراز می داریم.

کارگران حق دارند که برای حقوقی که از آن محروم شده اند مبارزه کنند، دست به اعتصاب و تحصن بزنند و تشکلهای مستقل خود را ایجاد نمایند. هرکوششی که فعالیت مشروع طبقه کارگر را جلوگیری نماید باید توسط تمامی مزدبگیران و نیروهای مترقی ایرانی و بین المللی محکوم شود. سرکوب کارگران توسط رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی هم به سود استثمارگران و چپاولگران ایرانی و هم به نفع امپریالیستها و جنگ افروزان بین المللی است که با تحریم های اقتصادی خود شرایط زندگی مردم ایران را وخیمتر کرده اند.

برای آزادی بی قید و شرط کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی بکوشیم

زنده باد اتحاد کارگران و زحمتکشان علیه رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

حزب کارایران (توفان)

اردیبهشت ۱۳۹۴

گزارش کوتاهی از رفقای حزبی درمورد تظاهرات اول ماه مه

در آمستردام

فعالین حزب کارایران (توفان) با پرچم مستقل خود در این راهپیمایی شرکت و همبستگی خود را با کارگران جهان اعلام داشتند شایان ذکر است که روز جهانی کارگر در هلند روز تعطیل رسمی نیست و در همین رابطه رفقای کمیته میز کتاب آمستردام با انتشار تراکتی خواهان رسمی شدن چنین روز تاریخی در هلند گردیدند. این راهپیمایی با موفقیت پایان یافت.



در پاریس

امسال هم مثل سال های قبل، دهها هزار نفر از شهروندان، فرانسوی و غیر فرانسوی، با فراخوان سندیکاها کارگری، در شهرهای مختلف به خیابان ها آمده و روز جهانی کارگر را جشن گرفتند طبق معمول ایرانیان مقیم پاریس، فعالین سازمان ها و احزاب چپ بعلاوه شماری فعالین منفرد، با تشکیل کمیته ای برای برگزاری مراسم اول ماه مه، کمیته ای که هر سال انتخاب می شود... در تظاهرات امسال پاریس شرکت کردند. فعالین حزب کارایران (توفان) هم در رژه اول ماه مه شرکت کرده و بیانیه حزب را به فارسی و فرانسوی در میان جمعیت پخش کردند. در بخشی از اعلامیه کمیته موقت برگزاری اول ماه مه در پاریس چنین آمده است:

.....نظام سرمایه داری جهانی در سرکوب و به کجراه کشاندن مبارزات طبقه کارگر در اقصی نقاط جهان، تنها نیست و از آنجا که از مواضع انقلابی و منافع مستقل طبقاتی کارگری در هراس مداوم بسر میبرد از جبهه ی رفرمیست های سوسیال دموکرات که از روی ریا و فریب، شعار کارگری را سر می دهند و دشمن تغییرات بنیادی و انقلابی می باشند و به لغو مالکیت خصوصی اعتقادی ندارند، بهره گرفته و در مراحل حساس که احتیاج به اتخاذ تصمیمات قاطعانه و انقلابی است، مبارزه کارگران علیه ظلم سرمایه را سد می کنند.....

طبقه کارگر ایران در سال گذشته مبارزات همه جانبه و گسترده ای را پشت سر گذاشته است. بعنوان نمونه فقط در اعتراض به حداقل دستمزد برای سال ۹۳ که ۶۰۹ هزار تومان حساب شده بود و با خواست افزایش دستمزد و اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، بطور کلی ۲۷۰۰۰ کارگر اعتصاب نمودند. نوع دیگری از اعتراض به حداقل دستمزد و افزایش آن، تحریم غذا بوده است که در واحدهای تولیدی و خدماتی صورت پذیرفت. برای مثال فقط در "ایران خودرو" ۲۰۰۰۰ کارگر غذا را تحریم نمودند و در اشکال دیگر برای افزایش دستمزد، ۹۲۰۰ کارگر معترض و اعتصابی شرکت داشتند.

در مورد عدم پرداخت دستمزد، یعنی حقوق های معوقه، حق مسکن، حق سنوات، حق عائله مندی، عیدی، پاداش و حق بیمه مشکل کارگران نسبت به سال ۹۲، ده درصد افزایش داشته است و تعداد کارگرانی را که دستمزد های معوقه داشتند، آمار آن نسبت به گذشته ۸۵ درصد صعود می نماید و در مجموع ۳۹۸ واحد تولیدی و خدماتی معترض بودند و در دوره های متفاوت در سال ۹۳ بطور کلی ۱۱۶۵۲۸ کارگر به دلیل حقوق های معوقه و معضلات آن به تحصن و اعتصاب روی آوردند.

در سال ۹۳ تعداد ۸۱ واحد تولیدی و خدماتی متوقف شده و مجموعاً فقط در ۵۷ واحد، ۸۲۰۰۰ کارگر بیکار شدند. در مورد دخالت شرکت های پیمانکاری و قرار دادهای موقت کار، باید اذعان داشت که ۹۳ درصد از کارگران در ایران با قرارداد موقت به کار مشغولند و مطابق گفته علی ربیعی، وزیر کار، تعداد آن به ۷ میلیون می رسد. باید اضافه نماییم که ماده ۴۱ قانون کار در چارچوب حداقل دستمزد چون همیشه روی سند قانون کار لم داده و اجرا نمی گردد و طرح استاد شاگردی نوین از طرف دولت احمدی نژاد به قوت خود باقی است و برنامه ی لغو کارگاه های زیر ۱۰ نفر از شمول قانون کار، تغییری نکرده است. معلمین که یکی دیگر از اقشار زحمتکش ایران است به دلیل فقر عظیم معیشتی مبارزه ی خود را سراسری نموده و با وجود کارشکنی های گسترده ی نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی در پی ایجاد اتحادیه و تشکل مستقل است، که با مبارزات خستگی ناپذیر، تحصن، راهپیمایی و اعتراضات وسیعی را سازماندهی می کنند و با طرح تشکل مستقل بطور عملی با نهاد های خود ساخته ی حکومتی مرزبندی دارند و متحد طبیعی کارگران می باشند. طبقه کارگر ایران با تمام مبارزات دلاورانه ای که برای کسب مطالبات کارگری در جامعه عملی میسازد، هنوز به دلیل خصلت طبقاتی و ارتجاعی و دیکتاتوری رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی، که اول ماه مه روز جهانی کارگر را برسمیت نمی شناسد، قادر نیست در چنین روزی از مراسم برگزاری در چارچوب همبستگی بین المللی کارگری بهره گیرد و اعتراضات طبقاتی خویش را عنوان دارد و این عمق ددمنشی و دشمنی حاکمیت جمهوری اسلامی ایران علیه کارگران را به اثبات می رساند. بنابراین طبقه کارگر ایران برای احقاق حقوق اولیه ی طبقاتی راهی جز ایجاد تشکل های مستقل کارگری ندارد تا قادر گردد با اتحاد و همبستگی وسیع تری اهداف خود را به نظام سرمایه داری تحمیل نموده و مدافع حقوق طبقاتی خود باشد.

زنده باد اول ماه مه، روز همبستگی بین المللی کارگران

سرنگون باد نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی ایران

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

در آمریکا

با آنکه منشاء اول ماه مه سرکوب اعتراضات کارگران در شهر شیکاگو در می ۱۸۸۶ می باشد، این روز به عنوان روز کارگر در آمریکا به رسمیت شناخته نمیشود. با این وجود هر ساله در این روز در بسیاری از شهرهای بزرگ آمریکا مراسمی توسط کارگران و نیروهای مترقی برگزار میشود. امسال نیز به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر در بسیاری از شهرهای آمریکا مانند لس آنجلس، بالتیمور، نیویورک، فیلادلفیا و شیکاگو تظاهرات متعددی برگزار شد. مهمترین محورهای تظاهرات امسال علاوه بر مساله حقوق کارگران و مهاجرین مساله خشونت پلیس و اتفاقات شهر بالتیمور بوده است. مساله خشونت های پلیس فاشیست آمریکا در چند ماه اخیر با قتل های پی در پی افراد بی دفاع که عموماً از شهروندان سیاهپوست بوده اند موجب عکس العمل های شدیدی از طرف سیاهپوستان و دیگر مردم مترقی آمریکا شده است. در شهر شیکاگو امسال برای اولین بار چندین حزب و سازمان کمونیست آمریکایی تظاهرات اول ماه مه را بطور مشترک و در کنار یکدیگر برگزار کردند. این احزاب عبارت بودند از :

حزب کار آمریکا (American Party of Labor)،

حزب کمونیست های آمریکا (American Party of Communists)،

حزب راه آزادی (Freedom Road Socialist Organization)،

حزب جهان کارگران (Workers World Party)،

انستیتو مارکس، انگلس و لنین (Marx, Engels, Lenin Institute)

این عمل به ابتکار حزب کار آمریکا و حزب جدیدالتاسیس کمونیست های آمریکا صورت

گرفت. تظاهر کنندگان پلاکاردهای زیبایی با عکسهای رهبران پر افتخار کمونیست آمریکا را با خود حمل میکردند. عکسهای بزرگانی همچون ویلیام فاستر (William Z. Foster)، هری هیوود (Harry Heywood) ملقب به بلشویک سیاه پوست، الیزابت فلین (Elizabeth Gurley Flynn)، پاول رابنسون (Paul Robeson)، جان رید (John Reed) نویسنده کتاب ده روزی که دنیا را لرزاند. حزب کمونیست های آمریکا توسط اعضای اخراج شده یا مستعفی حزب ارتجاعی- رویز یونیست (به اصطلاح) کمونیست در اواخر سال ۲۰۱۴ تشکیل گردید. این افراد به دلیل اعتراض به عملکرد فضاقت بار این حزب در حمایت بی چون و چرا از جنایات کاران حزب دموکرات آمریکا در انتخابات های گذشته و همچنین اختلافات بارز ایدئولوژیکی با گردانندگان حزب (به اصطلاح) کمونیست از آن استعفا داده یا اخراج گردیده اند. مانند بسیاری دیگر از احزاب کمونیست در جهان نفوذ رویزیونیسم در حزب کمونیست آمریکا به طور آشکار بعد از ظهور خروشچف و کنگره بیستم آغاز شده و اوج آن به بعد از درگذشت گاس هال (Gus Hall) رهبر سابق این حزب و روی کار آمدن سام وب (Sam Webb) میرسد. سام وب مانند پدرخوانده های خلف خود خروشچف و گورباچف بعد از روی کار آمدن، آرام آرام دست به تشکیل یک باند اولترا رویزیونیست و خائن زد که نتیجه آن اخراج یا استعفا ی بسیاری از اعضا صادق حزب (که بسیاریشان بعد از سالها به خود آمده بودند) شده است.

INTERNATIONAL WORKER'S DAY MAY FIRST



آخرین جزوه سام وب " یک حزب سوسیالیستی قرن بیست و یکم چگونه به نظر میاید، چه میگوید و چه میکند" است. میزان ضعفهای تئوریک و محتوای ارتجاعی و ضد کمونیستی آن، آنچنان است که این اثر حتی توسط احزاب رویزیونیست در جهان (از جمله حزب کمونیست آلمان KPD و حزب کمونیست یونان) مورد نقد شدید قرار گرفته است. میزان عملکرد ارتجاعی-رویزیونیستی این حزب با احزابی مانند حزب توده و حزب کمونیست عراق قابل مقایسه است و به همین خاطر است که این احزاب نسبت به احزاب رویزیونیست دیگر رابطه نزدیکی با باند سام وب دارند. حزب جدید کمونیستهای آمریکا اگر چه رگه هایی از رویزیونیسم را همچنان در خود حفظ کرده است اما نسبت به گذشته خود به مراتب مترقی تر میباشد.

از میان احزاب آمریکایی، حزب کار آمریکا نزدیکترین حزب به "کنفرانس بین المللی احزاب و سازمانهای مارکسیست لنینیست" میباشد.



در آلمان



اول ماه مه امسال به دعوت سندیکا های کارگری آلمان تحت شعار « آینده مان را بسازیم » در شهرهای مختلف آلمان بیش از ۴۰۰ هزار نفر شرکت کردند. بزرگترین تظاهرات در شهر برلین پایتخت آلمان بر گذار شد. خواسته های اصلی تظاهر کننده گان پایان دادن به کارهایی با دستمزد پایین و بر علیه محدود کردن حق اعتصاب بود. دبیر اول اتحادیه سراسری کارگران راینر هوفمان در سخنرانش در برلین خواستار گشودن بحث در مورد ارزش کار در کشور شد.

تعداد شرکت کننده گان امسال هم تقریباً در سطح سالهای گذشته ماند امسال در تمام میدانها کارگران خواستار افزایش دستمزدها شدند. بنا به آمارهای رسمی ۲۰ درصد کارکنان با دستمزد پایین کار میکنند.

یکی از اتفاقات مهم اول ماه مه امسال حمله یک گروه ۴۰ نفری از فاشیستها به تظاهرات اول ماه مه در شهر وایمر واقع در شرق آلمان بود. در نتیجه حمله فاشیستها شماری از تظاهر کنندگان مجروح شدند، بعد از شکست فاشیسم توسط ارتش سرخ چنین حرکتی از طرف فاشیستها آن هم در اول ماه مه در آلمان بی سابقه بود. هواداران حزب کار ایران در شهرهایی که متشکل هستند در این تظاهرات فعالانه شرکت کردند و اطلاعیه حزب کار ایران (توفان) را به زبان آلمانی و فارسی به صورت وسیع در بین شرکت کننده گان پخش کردند.

زنده باد همبستگی بین المللی!

در سوئد



صحنه ای از تظاهرات اول مه مه در استکهلم

تظاهرات اول ماه امسال نیز همانند سال گذشته بسیار باشکوه برگزار گردید. فعالین حزب کار ایران (توفان) همراه با حزب کمونیست سوئد (مارکسیست لنینیست) به راهپیمائی پرداخته و در تظاهرات با پرچم حزب مزین به تصاویر آموزگاران پرولتاریا، مارکس، انگلس، لنین و استالین شرکت کردند. رفقای حزبی با شرکت فعال و سازمان یافته خود و پخش بیش از هزار اعلامیه به زبان سوئدی و همین طور پخش بیانیهای حزب به زبان فارسی، ونشريات توفان در اجتماعات و تظاهرات گوناگون و با برگذاری میز کتاب در میدان سرگل و نصب آفیشهای کلاسیکهای مارکسیست و فروش مجسمه های مارکس، انگلس، لنین و استالین توجه بسیاری از علاقمندان را به خود جلب نمودند. رفقا همینطور با افشای رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی و در دفاع از حقوق کارگران و زحمتکشان و آزادی فعالین کارگری و همه زندانیان سیاسی و افشای امپریالیستها و در راسش امپریالیسم جنایتکار آمریکا و دخالت های بیشرمانه شان در امور داخلی کشورها به روشنگری پرداختند.

تظاهرات رفقای حزب کمونیست سوئد همانند سال گذشته با شکوه بود. شعارهای مارش اول ماه مه تظاهرات حقیقتا به دل می نشست، زیرا در سرلوحه شعارش، شعار جنگ طبقه علیه طبقه و فریاد نابود باد کاپیتالیسم و امپریالیسم و زنده باد سوسیالیسم قرار داشت.

شعارهای "بایکوت رژیم صهیونیستی اسرائیل و زنده باد فلسطین! سیاست ریاضت اقتصادی متوقف باید گردد! خروج سوئد از اتحادیه ای امپریالیستی اروپا! ممنوع کردن شرکتهای پیمانی، مبارزه زنان مبارزه طبقاتی است! نه به پیمان نظامی ناتو، و نه به فاشیستها و راسیستهای سوئدی و زنده باد همبستگی بین المللی طبقه کارگر سوئد با خلقهای تحت ستم جهان از جمله شعارهایی بودند که در طول تظاهرات فریاد زده می شد. این تظاهرات در میدان سرگل و با سخنرانی های کادرها و اعضای سازمان جوانان حزب، با موفقیت به پایان رسید.

اعلامیه کانون دفاع از حقوق کارگران در حمایت از تظاهرات معلمان

"می زنم فریاد هر چه باداباد"

"وای از این طوفان وای از این بیداد"

یکی از شعارهای معلمان در تجمع مقابل مجلس ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۴



همه ی کارگران، زحمتکشان، معلمان و پرستاران از "این بیداد" جانیشان به لب رسیده است. شکاف طبقاتی، ظلم و بیداد به کارگران و زحمتکشان به حدی رسیده است که دیگر برای فرودستان قابل تحمل نیست.

معلمان که کارگران فکری این جامعه فقرزده هستند، زبان گویای زحمتکشان شده و با فرهیختگی اعلام می‌کنند: "درد ما فرق است نه فقر". هر چند آنان خواستار حقوق پایه بالای خط فقر هستند اما خواسته‌های صنفی‌شان فراتر از دغدغه معیشت‌شان است و به درستی بر ضرورت آموزش و پرورش رایگان برای تمام کودکان و مقابله با تفکر سوداگرانه حاکم بر مسئولان در جهت کالانی کردن علم و دانش تاکید دارند و خواستار آنند که کودکان مناطق محروم نیز سهمی از درآمد نفتی داشته باشند. آنان خواستار مدرسی با کیفیت در سطح استانداردهای جهانی‌اند و کلاس‌های پرجمعیت و مدارس فرسوده را عاملی برای ناکارآمدی آموزش می‌دانند. آنان بهبود کیفیت آموزش را خواستارند و می‌دانند که تنها مشارکت معلمان از طریق تشکلهای مستقل و واقعی‌شان می‌تواند سیاست‌های مناسب را در جهت تغییر ساختار این نظام آموزشی بنیان گذارد.

واقعیت موجود در جامعه بیانگر آن است که فاصله‌ی طبقات فرو دست و زحمتکشان با طبقات حاکم آن چنان زیاد است که حاکمیت نه می‌خواهد و نه می‌تواند این فاصله را کاهش دهد و در برنامه‌های اعمال شده در چند دهه گذشته هر روز این فاصله را زیادتر کرده است.

حکومت‌گران و قدرت‌مدران نمی‌خواهند این حقیقت را درک کنند که با وجود این که بیش از ۵۰ درصد جامعه در زیر خط فقر زندگی می‌کنند، امکان تداوم وضع موجود نیست و چاره‌ی کار را در تشدید فشار، تهدید، بازداشت زحمتکشان می‌بینند که علیه نابرابری‌ها فریاد برآورده‌اند و این گونه است که **خواست آزادی معلمان زندانی** به یکی دیگر از خواسته‌های صنفی معلمان تبدیل می‌شود. چاره کار تنها تغییر اساسی در وضعیت موجود است. این تغییر اساسی جز با پذیرش خواسته‌های مردمی امکان‌پذیر نیست. خواسته‌هایی که امروزه در فریادهای هزاران زحمتکش، از کارگر و معلم تا پرستار و... خود را نشان می‌دهد.

اکنون وقت آن است که همگان بدانند دیگر به شیوه‌های قبل نمی‌توان تبعیض و نابرابری را بر مردم زحمتکش تحمیل کرد زیرا زحمتکشان نیز همانند قبل، حاضر به تن دادن به فقر و سیه‌روزی نیستند. این امر باید دانسته شود در جامعه‌ای که میلیون ها انسان زحمتکش برای قوت لایموت صبح تا شب به کارهای طاقت‌فرسا تن می‌دهند اما در انتها از داشتن یک زندگی عادی محرومند و در مقابل ثروت‌های بادآورده اقلیتی وابسته به قدرت سر به میلیاردها می‌زند و فساد اقتصادی در دستگاه‌های دولتی و بنگاه‌های مالی هر روز ابعاد وسیع‌تری می‌یابد، فریاد زحمتکشان هر روز همبسته‌تر و بلندتر خواهد شد.

کانون مدافعان حقوق کارگر که بر مبنای منشور خود، دفاع از زحمتکشان و مزد و حقوق بگیران را وظیفه‌ی خود می‌داند، از اعتراضات سراسری معلمان حمایت کرده و آن را در پیوند با مبارزات کارگران و سایر اقشار زحمتکشی می‌داند که از نابرابری و بی عدالتی در جامعه امروز رنج می‌برند.

اردیبهشت ۱۳۹۴

برگزاری مراسم یادمان هفتادمین سالگرد پایان جنگ جهانی دوم و پیروزی بر فاشیسم در شهر تورنتوی کانادا



مراسم یادمان هفتادمین سالگرد پیروزی بر فاشیسم که با جانفشانی و نبرد قهرمانانه خلقهای اتحاد جماهیر شوروی امکان پذیر گردید در شهر تورنتوی کانادا توسط انجمن دوستان کانادایی مردم شوروی (Canadian friends of Soviet Peoples) در محل خانه دوستی (Friendship House) برگزار شد. در این مراسم بغیر از شرکت کنندگان کانادایی رفقای از روسیه، بنگلادش، آمریکا و یک نماینده از کوبا نیز شرکت داشتند. در ابتدای این مراسم مایکل لوکاس (Michael Lucas) سرپرست انجمن ضمن خوشامد گویی به شرکت کنندگان با توجه به تلاش گسترده دولتها و رسانه های امپریالیستی برای دوباره نوشتن تاریخ جنگ جهانی دوم علی الخصوص همتر از کردن فرمانده بی همتای نیروهای اتحاد شوروی یعنی رفیق استالین با هیتلر (جنایتکار دست پرورده خودشان) مراسمی که امسال در سراسر جهان برگزار میشود را بسیار با اهمیت خواند.

در بخش بعدی برنامه یکی از بازماندگان کانادایی جنگ جهانی دوم در مورد اهمیت نقش اتحاد شوروی در پیروزی بر فاشیسم سخن راند و از تلاش برای فراموشی یا ناچیز شمردن این نقش ابراز تاسف نمود. در بخشی از سخنان خود وی یاد آور شد که نزدیک به ۸۰ درصد جنگ در خاک شوروی صورت پذیرفت و نزدیک به ۸۰ درصد قوای آلمان نازی در آنجا کشته، زخمی یا اسیر شدند. در ادامه برنامه، نماینده کوبا نیز از نقش اتحاد شوروی در پیروزی بر فاشیسم قدردانی کرد و نگرانی خود را در مورد ظهور دوباره فاشیسم در اروپا به خصوص در اکراین ابراز داشت. در این برنامه موزیک‌هایی از دوران جنگ به زبان روسی بطور زنده اجرا شد که با هموایی رفقای روس شرکت کننده به جلسه حال و هوای خاصی بخشید. بزرگترین غائبین این جلسه اعضا و هواداران حزب رویزیونیستی کمونیست کانادا بودند. وقتی که از مسئول انجمن در این باره سوال شد پاسخ او این بود: آنها ما را استالینیست مینامند و به همین خاطر در این مراسم شرکت نکردند!!!!

گشت و گذاری در فیسبوک

پرسش: آیا جهانی شدن سرمایه، مرگ بورژوازی ملی نیست؟

خیر! زیرا از لایه‌های خرده بورژوازی و تولید کوچک همواره بورژوازی کوچک و متوسط و یا همان ملی، زاده می‌شود. جهانی شدن سرمایه به معنای محو مسئله‌ی ملی در جهان نیست، بلکه برعکس امروز ما بیش از هر زمان با جنبش‌های ملی علیه‌ی تجاوزات امپریالیستی و نقض حقوق ملی مواجهیم، این جنبش‌ها در ماهیت خود بورژوائی‌اند. جنبش استقلال طلبانه‌ی ایرلند، فلسطین، عراق و افغانستان، سوریه... پیروزی جنبش ملی ونزوئلا و استقرار حکومت ملی به رهبری چاوز، حکومت ملی اکوادور، حکومت ملی بولیوی به رهبری مورالس و حکومت ملی نیکاراگوئه و السالوادور... و دهها مثال دیگر از این دست‌اند. البته برای درک صحیح این مسئله و ریشه‌های تاریخی چنین انحرافی که از درک رابطه‌ی اقتصاد و سیاست عاجزند و مسئله‌ی استقلال سیاسی (استقلال ملی) در عصر انحصارات را منتفی می‌دانند باید اثر ارزشمند "کاریکاتوری از مارکسیسم" لنین و همینطور "ترازنامه‌ی مسئله‌ی ملی در عصر امپریالیسم" را مجدداً مورد مطالعه قرار داد تا بهتر به بطلان نظرات ترسکیستی و اکونومیستی امروزی که در قبای جدیدی ظاهر می‌شوند پی برد.

آنها که معتقد به مسئله‌ی ملی در عصر امپریالیسم نیستند و اعتقادی به رژیم‌های مستقل به مفهوم سیاسی در این دوران ندارند و تمام نزاع‌های کنونی بین ایران، سوریه، لیبی، عراق، ونزوئلا، کوبا، بولیوی با امپریالیست‌ها را یک جنگ زرگری محسوب می‌کنند، به ظاهر به مسائل پیچیده‌ی سیاسی کنونی پاسخ داده‌اند اما چنین پاسخی غیر علمی و ذهنی و دور از واقعیت‌های اجتماعی است. آیا خنده دار نیست بگوئیم رژیم جمهوری اسلامی نوکر حلقه بگوش امپریالیسم است و در عین حال در مورد تجاوز به ایران و تحریم‌های پی در پی برای تسلیم این نوکر سخن بگوئیم؟ اساساً نزاع امپریالیست‌ها با رژیم‌های مستقل سیاسی بر سر چیست و دلایل برخورد متفاوت آنها با لیبی، سوریه، ایران، ونزوئلا، کره شمالی، کوبا... و از طرف دیگر با عربستان و بحرین و قطر و اردن و کره جنوبی و... بر سر کدام منافع اقتصادی و ژئوپولیتیکی است. چرا برخورد آنها با این کشورها متفاوت است؟ عدم درک این مسئله منجر به انحرافات می‌گردد که با تشدید تضادهای امپریالیست‌ها با این کشورها به نقض حقوق ملل، حقوقی که در ماهیت خویش بورژوازی است، مهربانید رژیم و یا حد اکثری طرف بمانیم که در عمل مهر تائیدی است بر تهاجمات و سیاست الحاق طلبی ملل معظم امپریالیستی و انکار تساوی حقوق بین الملل. در ثانی با جهانی شدن سرمایه یا گلوبالیزاسیون ما امروز شاهد جنبشهایی حتماً در اروپای متحده‌ستیم که در راس آنها احزاب بورژوازی قرار دارند و با سلطه طلبی امپریالیسم به مخالفت برخاسته و از استقلال ملی سخن می‌گویند. یونان مثال روشنی در این زمینه است. انکار بورژوازی ملی همان انکار مسئله ملی در عصر امپریالیسم است که لنین در آثار درخشانش بدان پاسخ داده است.

رویزیونیستهای شرمگین و بیانیه مشترک به مناسبت هفتادمین سالگرد پیروزی بر فاشیسم

اخیراً بیانیه مشترکی از سوی احزاب رویونیستی به مناسبت هفتادمین سالگرد پیروزی بر فاشیسم انتشار یافت که در آن از رهبر بزرگ جنگ ضد فاشیستی، رفیق استالین نامی برده نشد. همه می‌دانند که بسیج و رهبری اتحاد شوروی در جنگ کبیر میهنی، سازمان دادن و رهبری نبرد افسانه‌ای ارتش سرخ که قدرت نظامی آلمان نازی را نابود کرد و بر آن پیروز شد با نام استالین عمیقاً در آمیخته است. میلیونها تن از زنان و مردان خلقهای شوروی در میدانهای نبرد برخاک افتادند درحالی که نام استالین را بر لب داشتند. تصویر و اندیشه‌های او منبع الهام و پرچم مقاومت ضد فاشیستی خلقهای شوروی و جهان بود. بنابراین احمقانه است از جنگ میهنی اتحاد شوروی و پیروزی بر فاشیسم سخن گفت اما از نام و نقش استالین یاد نکرد، انطور که رهبران امپریالیستهای غرب و دشمنان ریز و درشت استالین میکنند. استالین و انقلاب اکتبر، استالین و جنگ میهنی و مارکسیسم-لنینیسم از هم جدائی ناپذیرند. بیانیه مشترک احزاب رویونیستی فاقد اصولیت کمونیستی است و شهادت آن را نداشته‌اند تا از رهبر جنگ میهنی، رفیق استالین نام ببرند. این احزاب که به تئوریهای ضد استالینی و ضد کمونیستی خروشی لیبیک گفتند همچنان آلوده به ویروس‌ها و انحرافات ضد کمونیستی هستند، اینان مداحان آشتی طبقاتی در لباس مارکسیسم‌اند.

شوراهای بدون سر!

شورها بدون رهبری حزب کمونیست، یعنی ارتش پرولتاریا بدون رهبری، بدون فرمانده، بدون مغز متفکر. یعنی همین شورها برای کارگران فریب خورده‌ای که در روز همبستگی کارگران جهان، علیه کارگران افغانی شعار دادند و یا در بهترین حالت شبیه سوسیال دموکراسی اروپایی است که پرچم مخالفت با مهاجرین را برافراشتند و... مارکس نام برنامه کمونیست‌ها را «مانیفست «حزب» کمونیست گذاشت تا چراغ راهنمای کمونیست‌ها و همه رهروان رهایی طبقه کارگر باشد. وگرنه میتوانست نام مانیفست را «مانیفست همه کارگران.....» می‌گذاشت و از حزب وحزبیت سخنی به میان نمی‌آورد تا باب میل آنارشئیستهای ضد حزبی میشد.

توفان شماره ۱۸۳ خرداد ماه ۱۳۹۴ ارگان مرکزی حزب کار ایران منتشر شد. ***

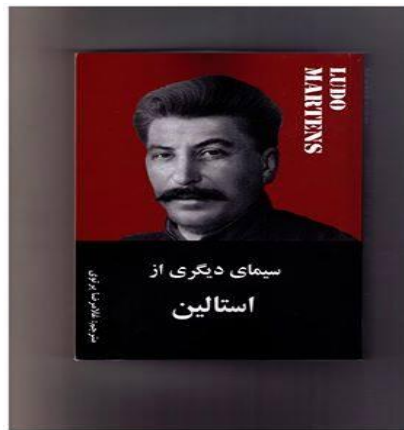
رفقا، دوستان و یاران مبارز!

برای پیشبرد نبرد علیه رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، علیه امپریالیسم جهانی، علیه رویزونیسم و ضد انقلاب ترتسکیسم و شبه ترتسکیسم و تقویت جنبش کمونیستی ایران به حزب کار ایران (توفان) کمک مالی کنید!

یارهای از انتشارات جدید در کتابخانه اینترنتی توفان:

- *_توهین به مقدسات ادیان و برخورد به تروریسم از انتشارات حزب کار ایران (توفان)
- *"سیمای دیگری از استالین" نوشته "لودو مارتنس"
- *تحریف کنندگان تاریخ سندی تاریخی از انتشارات دفتر اطلاعاتی شورای وزیران اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی
- *درافشای ماهیت "حزب کمونیست کارگری ایران" در دو جلد از انتشارات حزب کار ایران (توفان)
- *مرغان پرکشیده توفان. جانب‌اختگان توفان. چاپ دم اردیبهشت ۱۳۹۳

*



آدرس سایتها و وبلاگهای مرتبط با حزب

www.toufan.org

لینک چند وبلاگ حزبی

وبلاگ توفان قاسمی

<http://rahetoufan67.blogspot.se/>

وبلاگ ظفر سرخ

<http://kanonezi.blogspot.se/>

وبلاگ کارگر آگاه

<http://www.kargareagah.blogspot.se/>

کتابخانه اینترنتی توفان سایت

<http://toufan.org/ketabkane.htm>

توفان سایت آرشیو نشریات

http://toufan.org/nashrie_tofan%20archive.htm

تویتر توفان در

<https://twitter.com/toufanhezbkar>

توفان در فیسبک

<https://www.facebook.com/toufan.hezbekar>

توفان در فیسبک به زبان انگلیسی

<https://www.facebook.com/pli.toufan?fref=ts>

دست امپریالیستها و صهیونیستها از ایران و منطقه کوتاه باد!